

زیارت و ارتباط‌گیری با زائران و تحصیل در این حوزه است و موقعیت جغرافیایی و نزدیکی فرهنگی با افغانستان، آسیای میانه و حتی شبه‌قاره که می‌تواند حوزه مشهد را به کانون منطقه‌ای طلاب این مناطق تبدیل کند.

فرصت‌هایی هم در زمان‌هایی به وجود می‌آیند که از آن‌ها باید استفاده شود. حدود بیست سال پیش، فضا برای کار دینی در چین مقداری فراهم شد که عربستان بلافاصله به تأسیس یک مرکز آموزشی اسلامی در یکی از مناطق آن اقدام کرد؛ هرچند که به دلیل تندروی‌های این افراد و ارتباطاتی که با جریان طالبان داشتند، از سوی دولت چین به شدت با محدودیت مواجه شدند. ولی ما در طول سال‌های پس از فروپاشی شوروی یا ایجاد موقعیت‌هایی برای فعالیت در چین، استفاده چندانی از این فرصت‌ها نکرده‌ایم. این در حالی است که این کشورها با توجه به تاریخ شیعی و ایران، شیعیان را مردمان معتدلی می‌دانند که برای آن‌ها به مراتب کمتر از جریانات تندرو، به‌ویژه وهابی‌ها خطر دارند. این فرصتی برای شیعیان است و حوزه خراسان باید بتواند برای این فرصت، ظرفیت‌سازی و از آن استفاده کند.

### منظور شما از ظرفیت‌سازی چیست؟

ظرفیت‌سازی را نباید در این حد تقلیل داد که مدارسی داشته باشیم و طلاب این کشورها بتوانند آن‌جا ساکن شوند و درس بخوانند! این‌ها در جای خود مهم است و با شرایط فعلی ممکن است مشکل بودجه و امکانات هم داشته باشیم؛ اما به نظرم دو عامل مهم‌تر وجود دارد: یکی ظرفیت‌های علمی و دیگری ظرفیت‌های فرهنگی است.

### حوزه خراسان چگونه باید در این زمینه‌ها ظرفیت‌سازی کند؟

حوزه خراسان باید از ظرفیت‌های علمی‌اش درست استفاده کند. شخصیت‌های علمی بزرگی در منطقه وجود دارند که به عناوین مختلف استفاده درستی از ظرفیت علمی آن‌ها استفاده نمی‌شود. اگر بخواهیم حوزه علمیه خراسان را به عنوان یک کانون علمی مطرح کنیم، بدون شخصیت‌های علمی معنادار نیست. باید نگاه وسیعی به جریان علم و به‌ویژه علم دینی داشته باشیم و با سعه صدر بیشتری برخورد کنیم. به نظر من در دوره‌های اخیر، به دلایل مختلف، صدمات به ظرفیت‌های علمی حوزه علمیه خراسان وارد شده است که باید با

سعه صدر جبران شود.

مسئله دیگر، ظرفیت‌های فرهنگی منطقه است. مشهد یک مرکز زیارتی و حتی توریستی است و مقصد زائران مسافران شهرها و کشورهای مختلف است. به صورت طبیعی مقداری از ظرفیت‌سازی‌ها انجام شده و مثلاً وجود افراد خارجی برای مردم مشهد به صورت طبیعی درآمد است؛ اما مشکلاتی هم وجود دارد.

باید در خراسان یا مشهد فرهنگی به وجود آید که مردم نسبت به خارجی‌ها به صورت عام و طلاب و علمای خارجی به صورت خاص، رعایت ویژه‌ای داشته باشند. داستان‌هایی که بعضی از دوستان خارجی برای ما تعریف می‌کنند، تأسفاً آور است! آن‌ها با عشق و زحمت فراوان برای تحصیل یا زیارت خود را به مشهد می‌رسانند و با صحنه‌هایی مواجه می‌شوند که به تعبیر یکی از آن‌ها مشابه مصر دوران مبارک است! البته تعبیر ایشان این بود که دیدن چنین صحنه‌هایی در مصر آن دوران عجیب نبود؛ اما هضم این رفتارها در ایران اسلامی مشکل است. این‌جا غیر از این که مردم مسلمان هستند، حکومت هم اسلامی است و توقع دیگری از جمهوری اسلامی می‌رود.

### زبان... و زبان فرهنگی مخاطب

برای کار در فضاها بین‌المللی، زبان یک عنصر جدی است؛ اما دو بُعد دارد. یک بعدش همین ذهنیتی است که وقتی می‌گوییم زبان، ذهن ابتدا به سمت زبان انگلیسی و عربی می‌رود. این مهم است و متأسفانه در این زمینه کم کار کرده‌ایم.

در دنیای معاصر، اگر عالم مسلمان توان تکلم به زبان عربی را نداشته باشد، اصلاً عالم اسلامی تلقی نمی‌شود! اگر شما امروز به اروپا بروید و زبان آن‌ها را ندانید، خیلی برایشان عجیب نیست؛ اما اگر به اروپا بروید و زبان عربی بلد نباشید، آن‌ها شما را عالم دینی نمی‌دانند! چگونه می‌شود کسی قرآن و سنتش به زبان عربی باشد و عربی بلد نباشد؟ با وجود این همه سرمایه‌گذاری روی ادبیات عرب در حوزه‌ها، بیشتر طلبه‌ها و بلکه علمای ما بلد نیستند عربی صحبت کنند! این از نظر جهان اسلام قابل قبول نیست. در درجات بعد، زبان انگلیسی، فرانسه و غیره هم مهم است؛ به خصوص در دنیای معاصر، استفاده از ابزارهایی مثل اینترنت، بدون دانستن زبان انگلیسی خیلی محدود می‌شود.

اما بُعد دیگر زبان که تحقق آن برای افراد در محیط زبان دوم، یعنی زبان غیرمادری، آسان نخواهد بود، شناخت فرهنگ و زبان فرهنگی مخاطب است. این که مخاطب عرب زبان، انگلیسی زبان چگونه فکر می‌کند. برای همین است که ممکن است سخنرانی فارسی من با سخنرانی عربی یا انگلیسی خودم شباهتی نداشته باشد. نمی‌شود همان چیزی را که به فارسی برای مخاطب ایرانی می‌گوییم، همان را به عربی یا انگلیسی و برای مخاطب عرب یا انگلیسی بگوییم. درست است که می‌خواهیم محتوا را برسانیم، اما آن قالبی که انتخاب می‌کنم متفاوت است؛ چون ظرفیت فرهنگی و نوع نیازهای مخاطب متفاوت است. یکی از مشکلات حوزه همین بوده است که نمی‌داند سبک بیان مطالب برای مخاطب درست است یا نه.

برای حل این مسائل در سطح خراسان و مشهد باید فرهنگ‌سازی کرد. حوزه‌ها جزایر جدای از جامعه نیستند و در متن جامعه قرار دارند؛ بنابراین اگر ما می‌خواهیم حوزه‌ای رشد کند، باید ظرفیت‌های موجود جامعه پیرامون آن هم به همان تناسب رشد کند. در مشهد باید ظرفیت‌سازی شود تا به کانونی برای هزاران، بلکه ده‌ها و صدها هزار طلبه غیرایرانی تبدیل شود. این هدف دور از دست‌رسی به نظر می‌رسد؛ ولی به نظر من ممکن است. مشهد و خراسان چنین ظرفیتی را دارد که طلاب منطقه و حتی فرامنطقه را برای تحصیل جذب کند یا زائران خارجی را با مفاهیم اسلامی مرتبط کند.

### یعنی از فرایند زیارت هم می‌توان بهره‌برداری بیشتری کرد؟

ظرفیت‌هایی در خود حرم مطهر امام رضا (ع) وجود دارد که استفاده اندکی از آن می‌شود. ما زمانی قصد داشتیم مرکزی را در مشهد ایجاد کنیم تا زائر خارجی را از زمانی که برای آمدن به مشهد تصمیم گرفت، به نحوی پوشش دهیم. زائری که وارد ایران و به‌ویژه خراسان و مشهد می‌شود، باید از همان لحظه تحت پوشش علمی حوزه قرار گیرد تا در طول مدتی که در ایران است، بتوانیم بخشی از نیازهای فکری او را برآورده کنیم و با دستانی پر از توشه معرفتی اهل بیت (ع) بدرقه‌اش کنیم.

آستان قدس برای استفاده از ظرفیت زائر در سال‌های اخیر تلاش‌هایی داشته و مراکز دیگری مثل شهرداری مشهد هم کارهایی کرده که در جریان آن هستم. اما این‌ها در مجموع خیلی ناچیز بوده است. شاید چون برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگی نداشته‌اند؛ ولی من معتقدم محور این برنامه‌ریزی باید حوزه خراسان باشد و این حوزه مدیریت کلان برنامه‌های فرهنگی دینی را در منطقه برعهده داشته باشد.

یک قسمت این برنامه‌ریزی به منطقه و داخل کشور مربوط خواهد بود و بخشی از آن هم به خارج از کشور مرتبط می‌شود. سالانه میلیون‌ها نفر به مشهد می‌روند که در صورت برنامه‌ریزی حوزه علمیه در کنار آستان قدس و دیگر مجموعه‌های فرهنگی، می‌تواند مثل یک دوره آموزشی غیرمستقیم باشد تا با معرفت بیشتری برگردند. این گونه می‌توان در ارتقای فرهنگی نقش ایفا کرد؛ چه در ابعاد داخلی و چه خارجی.

